

گروه فعلی و ویژگی‌های آن

آموختیم که مهم‌ترین عضو گزاره، گروه فعلی است که معمولاً با شناسه همراه است.
فعل پنج ویژگی دارد :

۱) شخص (۲ زمان ۳ گذر ۴ وجه ۵ معلوم و مجهول
برخی از ویژگی‌های فعل از جمله **شخص**، **زمان** و **گذر** را سال گذشته آموختیم و دانستیم که :

۱) شخص

فعل شش شخص دارد :

گوینده) اول شخص مفرد = رفتیم .	گوینده) اول شخص مفرد = رفتیم .
شنونده) دوم شخص جمع = رفتید .	شنونده) دوم شخص مفرد = رفتی .
دیگری) سوم شخص جمع = رفتند .	دیگری) سوم شخص مفرد = رفت .

۲) زمان

فعل سه زمان اصلی دارد :

- ۱) ماضی ساده = بن ماضی + شناسه‌های ماضی : رفتیم، رفتی، رفت، رفتیم، رفتید، رفتند
- ۲) ماضی استمراری = می + ماضی ساده : می‌رفتیم، می‌رفت، می‌رفتید، می‌رفتند
- ۳) ماضی بعید = صفت مفعولی + بودم، بودی، بود، بودیم، بودید، بودند :
رفته بودم، رفته بودی، رفته بود، رفته بودیم، رفته بودید، رفته بودند
- ۴) ماضی التزامی = صفت مفعولی + باشم، باشی، باشد، باشیم، باشید، باشند :
رفته باشم، رفته باشی، رفته باش، رفته باشیم، رفته باشید، رفته باشند
- ۵) ماضی نقلی = صفت مفعولی + ام، ای، (است)، ایم، اید، اند : رفته‌ام، رفته‌ای، رفته است، رفته‌ایم، رفته‌اید، رفته‌اند

الف) ماضی

(ب) مضارع* (۱) مضارع اخباری = می + بن مضارع + شناسه‌های مضارع : می‌روم...
 (۲) مضارع التزامی = ب + بن مضارع + شناسه‌های مضارع : بروم...

(پ) آینده
 آینده = خواهم، خواهی، ... + بن ماضی :
 خواهم رفت...

* در زبان فارسی چند زمان دیگر نیز وجود دارد؛ از جمله :

داشتم می‌رفتم، داشتیم می‌رفتیم
 ماضی مستمر : داشتی می‌رفتی، داشتید می‌رفتید
 ماضی استمراری : داشت می‌رفت، داشتند می‌رفتند
 داشت
 ...

دارم می‌روم، داریم می‌رویم
 مضارع مستمر : داری می‌روی، دارید می‌روید
 مضارع اخباری : دارد می‌روند
 دارد
 ...

کاربرد زمان افعال

سال گذشته درباره‌ی شیوه‌ی ساخت افعال در زمان‌های گوناگون سخن گفتیم. اکنون به برخی از کاربردهای زمان‌ها اشاره می‌کنیم :

ماضی ساده

برای بیان کاری که در گذشته به طور کامل انجام گرفته است :

* الف) فعل‌هایی که از مصدر «بودن و داشتن» بدون پیشوند «می» و «ب» می‌آیند، مانند «هست و دارد» استثنا هستند.
 ب) فعل‌های است و هست از نظر زمان، مضارع هستند.

وقتی خورشیدِ صبح یک‌شنبه، پنجم جمادی‌الآخر سال ۶۷۲ پلک‌های خود را **گشود**، مولانا جلال‌الدین، چشمان پر نور خود را بر قونیه **فروست** و به شمس **پیوست**.

ماضی استمراری

الف) برای بیان کاری که در گذشته به صورت پیوسته ادامه داشته یا بارها تکرار شده است.
ما قرن‌ها با همسایگان خود در صلح و صفا **می‌زیستیم**.
هر بار که طوفانِ حادثه‌ای به ما **می‌رسید**، بالنده‌تر قد **برمی‌افراشتیم**.

ماضی بعید

برای بیان کاری که در گذشته پیش از کار دیگر اتفاق افتاده است:
وقتی سپاه نادر به اصفهان رسید، اشرف و یارانش این شهر را **غارت کرده بودند**.

ماضی التزامی

برای بیان کاری در گذشته همراه با احتمال، الزام و آرزو:

شاید
کاش : انسان متمدن امروز مضرات زیاده‌جویی و خودخواهی را **دریافته باشد**.
باید :

ماضی نقلی

الف) برای بیان کاری که در گذشته انجام گرفته، اینک اثر و نتیجه‌ی آن مورد نظر است:
در سال‌های اخیر جوانان ما در صحنه‌ی پیکارهای علمی بین‌المللی موقّیّت‌های **بزرگی کسب کرده‌اند**.

ب) برای بیان کاری که گوینده، شاهد آن نبوده است و صورت نقل قول دارد:
سیل از کوه سرازیر شده و خانه‌ها را خراب **کرده است**.

ماضی مستمر

برای بیان کاری که در گذشته، همزمان با کاری دیگر صورت گرفته است :
داشتیم برمی گشتیم که حسن وارد شد.

مضارع اخباری

الف) برای بیان حقایق کلی و مطالب علمی :
آب در گرمای صددرجه می جوشد. آهن در مجاورت رطوبت زنگ می زند.
ب) برای بیان کاری که اکنون در حال انجام است :
چه می کنی؟ کتاب می خوانم.
پ) همچنین برای بیان کاری که در آینده انجام خواهد گرفت، از این فعل استفاده می شود :
تابستان آینده به مسافرت می رویم (= خواهیم رفت).

مضارع التزامی

برای بیان احتمال، الزام و آرزو در آینده :

شاید :
باید : باران بیارد.
کاش :

مضارع مستمر

برای بیان کاری که هم اکنون در حال جریان است :
قافله‌ی تمدن بشری به کجا دارد می رود؟

آینده

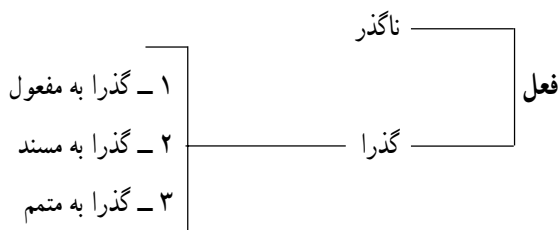
برای بیان کاری که از این پس انجام خواهد گرفت :
آزادی و آفتاب هم‌ریشه‌اند و در صورت نبود هر یک از آن‌ها، حیات نابود خواهد شد.

فعالیت

از مصدر «نوشتن»، همه‌ی زمان‌ها را بسازید و درباره‌ی کاربردهای گوناگون آن‌ها گفت‌وگو کنید.

۳) گذر

فعل ممکن است ناگذر یا گذرا باشد :



یادآوری: گاهی از مصدرهای شکستن، ریختن، پختن، بردن، گذاختن، گسستن و ... فعل‌هایی ساخته می‌شود که هم گذرا و هم ناگذر هستند بدون آن‌که تغییری در ساخت و معنای آن‌ها ایجاد شود. مانند: آب ریخت. / گربه آب را ریخت. به این افعال دو وجهی می‌گویند.

۴) وجه

به جمله‌های زیر دقت کنید :

جمله‌ی یکم: پرویز به خانه می‌رود. وقوع فعل از نظر گوینده **مسلم** است.
جمله‌ی دوم: شاید پرویز به خانه برود. وقوع فعل از نظر گوینده **نامسلم** است.
جمله‌ی سوم: به خانه برو. وقوع فعل جنبه‌ی **فرمان یا خواهش** دارد.
این سه کارکرد فعل را **وجه فعل** می‌گوییم و آن‌ها را به ترتیب **اخباری، التزامی و امری** می‌نامیم.

وجه اخباری

اگر گوینده وقوع فعل را به صورت **مسلم** و قطعی مطرح سازد، فعل از **وجه اخباری** است.

جز فعل امر و دو ساخت **ماضی التزامی** و **مضارع التزامی** ساخت سایر زمان‌های فعل‌ها، از وجه اخباری است.

وجه التزامی

اگر گوینده، فعل را به صورت نامسّم یا احتمال و آرزو و الزام مطرح کند، فعل از **وجه التزامی** است و ساخت‌های ماضی التزامی و مضارع التزامی برای آن به کار می‌رود:

□ ماضی: (اخباری) پرویز در امتحان ورودی موفق شد. (التزامی) کاش پرویز موفق شده باشد.

□ مضارع: (اخباری) پرویز در امتحان ورودی موفق می‌شود. (التزامی) کاش پرویز موفق شود (بشود).

وجه امری

اگر گوینده، وقوع فعل را به صورت امر، خواهش و فرمان مطرح کند، فعل از **وجه امری** است.

کتاب را بردار. قدر مادر و پدر خویش را بدان. خدایا، مرا ببخش.
فعل امر برخلاف وجه اخباری و التزامی، پرسشی نمی‌شود.
فعل امر (وجه امری) تنها دو ساخت (صیغه) دارد:

دوم شخص مفرد ب . بن مضارع . . .	دوم شخص جمع ب . بن مضارع . ید
بنویس	بنویسید
برو	بروید
بنشین	بنشینید

بیاموزیم

جملات زیر را با هم مقایسه کنید :

نامه را به وسیله پست سفارشی برایش فرستادم .

به منظور بازدید از نمایشگاه کتاب ، کلاس تعطیل شد .

الف

نامه را با پست سفارشی برایش فرستادم .

برای بازدید از نمایشگاه کتاب ، کلاس تعطیل شد .

ب

* * *

به کار بردن " با " و " برای " در جمله ، از " به وسیله " و

" به منظور " مناسب تر است ؛ زیرا جمله کوتاه تر می شود و پیام زودتر به

شنونده و خواننده منتقل می گردد . زبان ما و از جمله زبان فارسی با گذشت

زمان ، خلاصه تر و کوتاه تر می شوند ؛ بنابراین ، اقتصای زبان فارسی امروز

این است که از میان کلمات مترادف ، کلمه ی ساده تر و کوتاه تر را

انتخاب کنیم .

خودآزمایی

۱) زمان و کاربرد و وجه فعل‌هایی را که در متن زیر مشخص شده‌اند، بنویسید.

موشی بر لب چشمه‌ای وطن ساخته بود. غوکی نیز در آن نزدیکی در آب به سر می‌برد. غوک گاه و بی‌گاه از آب بیرون می‌آمد و آواز می‌خواند. موش از آواز غوک لذت می‌برد. بدین ترتیب با هم دوست شدند. روزی موش به غوک گفت هرگاه می‌خواهم غم دل با تو بگویم تو در آب هستی. غوک گفت: راست می‌گویی. من نیز هرگاه به در خانه‌ی تو می‌آیم تو از سوراخ دیگر بیرون رفته‌ای، چاره‌ای بیندیش. موش گفت: رشته‌ای دراز پیدا خواهم کرد، یک سر آن را به پای تو و سر دیگر آن را به پای خود خواهم بست تا همیشه از حال تو باخبر باشم. روزی موش بر لب آب آمد تا غوک را بطلبد. زاغی موش را دید و به چنگال گرفت. چون پای موش با رشته به پای غوک بسته بود غوک نیز واژگون به هوا رفت. مردمان با تعجب می‌گفتند: هرگز غوک شکار زاغ نبوده است. غوک با فریاد گفت که از شومی مصاحب نااهم جنس بدین مبتلا شده است.

۲) درباره‌ی خطّ و نوشتار در زبان توضیح دهید. (دریک بند)

۳) به جای کلمات مشخص شده، کلمات کوتاه‌تری قرار دهید.

□ از سوی دوستم نامه‌ای آمد.

□ به چه علتی غایب شده است؟

□ به وسیله‌ی تاکسی به خانه رفتم.

□ به چه سبب به مدرسه نیامدی؟